

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر رادیو بیست‌وچهارساعته‌ی صدای ایران از لس آنجلس، علیرضا میبیدی

گزارشگر: آقای فروهر، روز به خیر. چه سختی دارد شرایط حاضر؟

داریوش فروهر: خوب، سرکوبگری بیشتر شده؛ ولی امید هست در پایانش بهار به دست مردم بیفتد. دو سه اعلامیه‌ی واپسین اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملّی در همین زمینه است. باید خیلی جدی‌تر، با کردارهای پیاپی سیاسی، سردمداران جمهوری اسلامی را از موضع تهاجمی‌شان پس زد و زمینه‌ساز یک دگرگونی بنیادی برای پدید آوردن مردم‌سالاری شد. یک رشته کارهایی هست که با آن‌ها می‌شود به یک نظام حاکم فشار آورد، بدون آنکه دست به سلاح و کارهای قهرآمیز آن چنانی برد. در انقلاب چنین بود و در جنبش ملّی شدن صنعت نفت هم چنین بود. همبستگی همگانی پدید آمد، مردم یک هدف روشن جلویشان قرار گرفت و پرداختند به راهپیمایی، گردهمایی، تحصن، در جاهایی، اعتصاب و سرانجام یک خیزش همگانی پیامد این کردارها بود که نظام حاکم را پس زد. همین چند روز گذشته، در درون کشور، شاید فقط به نقل خبرها اکتفا شد؛ اما من هر روز یک گزارش دارم که اعتراض بوده به ماجرای ربوده شدن و دوباره زندانی شدن فرج سرکوهی و برادرش، ایرانی‌ها در سوئد، در آلمان و در بعضی جاهای آمریکا. البته با افسوس، با اینکه ایرانی‌ها در آمریکا خیلی زیادند، به آن گستردگی که دیگران به پرخاش پرداختند نپرداختند. این فشارها اگر از درون همراه با بیرون بر سردمداران بیاید، آن‌ها را ناگزیر به عقب‌نشینی می‌کند. در همین ماجرا، که گفتم، شاید طرح آن‌ها این بود که این نویسنده را سربسته کنند؛ ولی همین امروز روزنامه‌ها خبر دادند - هم روزنامه‌ی ایران، که در حقیقت ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی است، و هم روزنامه‌ی کیهان به شکل دیگری - که سرکوهی هنگامی که می‌خواست از یکی از بندرهای کنار بوشهر به بیرون از ایران - شاید به شیخ‌نشین‌ها - برود با دو نفر قاچاقچی دستگیر شدند. همین خبر نشانه‌ی عقب‌نشینی سردمداران جمهوری اسلامی است در برابر فشاری که از سوی ایرانیان بیرون از کشور و نویسندگانی که هوادار نویسندگانی ایرانی بودند بر روی آن‌ها آمده بود.

گزارشگر: تا آنجایی که من گزارش دارم، سوئد از همه جا گوی سبقت را ربوده و در آلمان هم همچنین. البته در آمریکا هم اعتراض بوده، هم ایرانی‌های مقیم آمریکا - من یک نشریه‌ای جلوم هست به عنوان درباره ایران، که جریان دستگیری و نامه‌ی سرکوهی را درج کرده، بعد هم کم‌خواهی کرده، و هم یک نامه‌ای از آن بنیاد دموکراسی برای ایران، که به زبان انگلیسی چاپ شده دریافت داشتیم که او هم از همه کم‌خواهی کرده از طریق اینترنت.

داریوش فروهر: من از داشتن خط اینترنت برخوردار نیستم. تنها روزنامه‌نگار و نویسنده‌ای که در طول شاید چهارده سال گذشته و بعد از آزادی از زندان جمهوری اسلامی با او مصاحبه کردم، به هنگام مرگ شادروان دکتر غلامحسین صدیقی، آقای فرج سرکوهی بوده؛ و من از پیش‌تر هم، از دوران‌هایی که پای او به زندان‌های پیش از انقلاب هم می‌رسید، ایشان را می‌شناسم؛ و اکنون هم بسیار خشنود می‌شوم که هم بتوانم ایشان را ببینم و هم بتوانم در راه آزادی‌شان و آزادی همه‌ی نویسندگانی که از چندی پیش کمر همت بستند که یک حرکت جمعی داشته باشند کوشا باشم.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: تنها هول و ترس نیست، نفرت از اینکه چه بر میهن ما می‌گذرد و چه شکل یک انسان را، که پیشینه‌ی رزم‌آوری هم داشته، ایستادگی هم داشته، به این اندازه در راستای همبستگی میان نویسندگان گام برداشته، این جور بی‌شرمانه مورد تجاوز قرار می‌دهند.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: خوب، ببینید به این عناصر که زیر عنوان «نیروهای سرکوبگر»، زیر عنوان «گماشتگان امنیتی» پی‌درپی به آن‌ها اشاره می‌شود؛ اما به‌راستی آن چنان پنهان‌کاری می‌کنند و آن چنان نقشه‌های زیرزمینی می‌کشند که شناختی از کارگزارانش نیست که به دیگران شناسانده بشوند. من و دوستانم بی‌شک هر جا که شناخت پیدا کنیم بی‌دریغ و بی‌هیچ هراس بیان خواهیم کرد.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: خوب، چه جور تغییر وضعی را پیش‌بینی می‌کنید؟ من همچنان‌که از مدت‌ها پیش گفته‌ام جان‌مایه‌ی کشورداری در جمهوری اسلامی نمی‌بینم. ایران از نظر سیاست خارجی در بن‌بست است، از لحاظ اقتصادی به ورشکستگی دچار شده، از لحاظ تباهی‌های اجتماعی و فروریزی ارزش‌های اخلاقی چنان داستانی است که نه می‌شود گفت و نه می‌شود شنید. به این ترتیب، بله، من انتظار دارم که یک دگرگونی پدید بیاید. این دگرگونی را هم باید خود مردم پدید بیاورند و، تا خود مردم نخواهند، بازیچه‌ی آزمندی‌های جهان‌خواران بودن راه به جایی نمی‌برد.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: طبیعی است که در آنجا هم با اشکالاتی روبه‌رو شده‌اند. همان دادگاهی که پیرامون کشته شدن دکتر شرفکندی و سه تن همراهانش بود یک حالت اختلال در رابطه‌ها پدید آورد که خود من را چندی پیش دعوت کرده بودند که در یک کنفرانس شاخه‌ی هامبورگ حزب سوسیال دموکرات در یک میزگرد شرکت کنم که یکی دو تا از رهبران برجسته‌ی آن حزب بودند و موضوع این بود که آیا گفت‌وشنود انتقادآمیز هنوز سودمند هست. من هنگامی که تصمیم گرفتم نرم به آن‌ها نوشتم گفت‌وشنود انتقادی با کی، با یک نظام سرکوبگر به‌کلی بریده از مردم، که هیچ ضابطه‌ای در کردارهایش فرمانروایی ندارد، پیرامون چه چیز گفت‌وشنود می‌کنید، مگر اینکه این گفت‌وشنود پوششی باشد برای سود و صلاح اقتصادی. به این ترتیب، همه‌جا، آن جاها که به هر حال آزادی هست هم، مردم زیر بار اینکه همه چیز پیروی از بهره‌وری‌های اقتصادی باشد تا یک حدی می‌روند، نه همیشه.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: یکی دو سازمان حقوق بشری و هوادار نگاه‌داشت حقوق بشر، که در کشورهای اروپایی غربی پدید آمده، دیدم یک خواسته‌ای طرح کردند از پارلمان اتحادیه‌ی اروپا که در هر گونه نشست و برخاست و هر گونه گفت‌وشنود با جمهوری اسلامی به زنده‌داشت حقوق بشر در ایران ارجحیت بدهد. این به نظر من یک خواسته‌ی درست است که هر ایرانی هم می‌تواند داشته باشد. به هیچ وجه نمی‌خواهیم که گسستگی در رابطه‌ها پدید آید، اما می‌خواهیم که به یک سامان سرکوبگرانه این همه یاری رسانده نشود، پوشش‌های گوناگون به آن داده نشود.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بنیادهایی را دربردارد که در ایران باید بتوانیم به آن‌ها دست بیابیم.

به عبارت دیگر، اگر حقوق ملت حتی به شکل پرازنقصی که در بیست و چهار فصل از اصل سوم همین قانون خودنوشته‌ی سردمداران جمهوری اسلامی هست رعایت شود، بسیاری از دشواری‌ها از میان می‌رود؛ و به همین دلیل است که ما آزادی و مسئله‌ی حاکمیت ملی، مسئله‌ی رسیدن به یک سامان مردم‌سالارانه را با اهمیت‌ترین موضوع‌ها می‌دانیم که پیش روی ایرانی‌ها قرار گرفته است.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: از مدت‌ها پیش، در انتخابات پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، که یک نمایش تکراری افتتاح‌آمیز بود، حزب ملت ایران و بعد اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی پیش‌شرط‌هایی پیش کشیدند برای هر گزینش ملی، چه انتخابات مجلس باشد، چه انتخابات میان‌دوره‌ای باشد، چه انتخابات رئیس‌جمهوری باشد و چه فراتر از آن، در هنگام یک همه‌پرسی باشد. باید این پیش‌شرط‌ها اجرا بشود تا فضای سیاسی باز و ایمنی قضائی به معنی درست کلمه فراهم شود. این روزها، سردمداران جمهوری اسلامی نه تنها هیچ خودشان را به انجام این پیش‌شرط‌ها ملزم نکرده‌اند، بلکه بر روند سرکوبگری به گونه‌های زیادی افزوده‌اند، به شکلی که به هیچ وجه زمینه‌ی انجام هیچ گزینش واقعی فراهم نیست. در چنین وضعی، دم از انتخاب رئیس‌جمهور زدن جز بازیچه‌ی دست سردمداران جمهوری اسلامی شدن و به این بساط یکه‌تازی زینت بخشیدن هیچ معنی دیگری ندارد. البته این را به این تعبیر نکنید که پس ما از این انتخابات کنارگیری می‌کنیم. نه، هنوز فرصت باقی است و ما با همه‌ی نیرو می‌کوشیم که جمهوری اسلامی را پس بزنیم، که آن‌ها را وادار کنیم که به شرط‌های مورد خواست تن در بدهند و به یک گزینش آزاد برسیم. بدیهی است اگر فشار آن چنان که باید زیاد نشد و این زمامداران خودبین، که دودستی به کرسی‌های قدرت چسبیده‌اند، پس ننشستند، یکی از راه‌ها هم خواستن کنارگیری مردم است.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: اجازه بدهید که من در این زمینه توضیح بیشتری بدهم. یک وقت هست که ما در یکی از کشورهای فرض اروپای غربی سخن از اپوزیسیون به میان می‌آوریم یا، به واژه‌ای که من به کار می‌برم، نیروهای رودررو؛ یکوقت هم هست که در یک کشوری این واژه را به کار می‌بریم که یک نظام توتالیتر در آن حاکم است. آنجا سخن از اپوزیسیون بر علیه یک کابینه، بر علیه یک دولت است که می‌خواهد دولت را برکنار کند و اندیشه‌های دیگری را که برای گرداندگی کشور دارد به کرسی بنشاند، چهارچوب آن نظام را قبول دارد؛ اما در اینجا سخن بر سر این گونه مخالفت نیست. این نظام به‌کلی یک نظام سرکوبگر است و چارچوبش شایان پذیرفتن نیست. به این ترتیب، اینجا نیروی رودررو آن نیرویی است که دگرگونی بنیادی می‌خواهد، که بازگشت به آن هدف‌هایی که خواستار بر هم زدن وضع و پدید آوردن وضعی نو بودند را می‌خواهد.

در اینجا دو سلیقه هست: یک سلیقه فکر می‌کند نظامی است اصلاح‌پذیر یا حتی استحاله‌پذیر و می‌گوید که می‌رویم در درونش و از درونش به سوی یک بهتر می‌رویم؛ یک شمار هم هستند از سازمان‌های سیاسی، که حزب ملت ایران جزو آن‌هاست، که می‌گویند نه، این سامان نه درست است و نه درست‌شدنی و باید رودرروی آن خواست‌های بنیادی را قرار داد برای یک دگرگونی ریشه‌دار. بدین ترتیب، اگر این را حالا دوشقه حساب می‌کنید؛ اما از نظر من تنها یک راه در جلوی ملت ایران قرار دارد و آن هم برچیدن بساط یکه‌تازی و رسیدن به مردم‌سالاری است و این از درون جمهوری اسلامی به هیچ روی شدنی نیست.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: آن هنگام، آن سناریو هم درست نبود. من تازه از سفر شمال آمده بودم و دچار ناراحتی شده بودم. پزشک درمان‌کننده‌ام از من پرسید چی خوردی. گفتم کبابی که به نظر تازه می‌رسید و آب معدنی. او برایش این تعبیر شد. من تازگی‌ها با چنین سناریویی روبه‌رو نشده‌ام. به هر حال، در کشوری که سامان یکه‌تازانه‌ای بر آن فرمانروایی می‌کند، همه روز باید - این را هم حمل بر خاص نکنید - جانت کف دستت باشد. من نه با امیدواری می‌جنگم، نه ناامیدم، نه سرخورده‌ام و نه سرشار، همچنان که بارها گفته‌ام، من وظیفه‌ی ملّی‌ام را انجام می‌دهم. در راستای انجام این وظیفه‌ی ملّی، سر و جان را نباید چندان بهایی داد.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: شاید آن روزها دردهای استخوانی، که گاه و بیگاه آزارم می‌دهد، بیشتر بوده؛ اما خدای را سپاس که اکنون در یک پیکاری در پیش هست توانایی بیشتری داشته باشم و این توانایی از راه صدا به شما هم رسیده باشد.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: ... در درون ایران؟ من امیدوارم منتقدی که این اندازه سرسخت باشد نداشته باشم. حالا خودتان بگویید.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: به‌به، به‌به، چه عنصر شریفی! ایشان هر چه بگویند راست می‌گویند، وظیفه‌شان را انجام می‌دهند.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: والله، ببینید، یک بار هم من به خود شما گفتم، کسی می‌تواند از رقم واقعی سخن بگوید که دست‌اندرکار باشد، آمارهای درست، نه آمارهای ساختگی را در دسترس داشته باشد. آنچه که کارشناس‌ها با من می‌گویند باید دوروبر سی‌وپنج میلیارد تا چهل میلیارد دلار باشد و یک هنگام که قطعاً روی چهل میلیارد دلار حرف زده می‌شد و بعد هم گشایشی نبود که ما بگوییم یکدفعه پرداخت شده به نصف رسیده.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: بله، خواندم این‌ها را، هم در روزنامه‌های سطنت‌طلب آن چنانی و هم مشروطه‌خواه. خواندم ... که چه بگویم در کجا پناه گرفته و بازیچه‌ی دست چه کشوری هست یا داریوش فروهر، حزب ملت ایران کردارشان با پشتیبانی وزارت اطلاعات انجام می‌گیرد. بگذارید که دل تنگشان هرچه می‌خواهد بگوید. مردم ایران من را می‌شناسند. آینده هم - اگر این چند سال گذشته نشان داده نشده باشد - آینده نشان خواهد داد که من صرفاً در میان مردم بوده‌ام، با تکیه به مردم جلو آمدم؛ و اکنون هم، اگر نیروی ایستادگی دارم، از مردم می‌گیرم.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

داریوش فروهر: فکر می‌کنم لطفی است که مردم ایران دارند، شعوری است که برای شناخت درستی از نادرستی دارند و بسیار هم سپاس‌گزارم. پیش‌تر یکی از دوستان شما این را گفته بود و سپاس‌گزاری کرده بودم.

گزارشگر: [پرسش ضبط نشده است.]

من این آستانه را بگویم که با افسوس، از آنجا که جدول ارزش‌های انقلاب درهم‌شکسته شد، خواستی که من دارم این است که مردم همیشه به یاد داشته باشند که انقلاب برای این بازیگری‌ها نشد. انقلاب سه هدف بزرگ داشت:

رسیدن به استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، و عدالت همگانی. اگر درمورد اول آسیب‌چندانی به هدف انقلاب نرسیده باشد؛ دو هدف دیگر، یعنی آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت همگانی، به‌کلی نابود و نادیده گرفته شده، آن‌چنان‌که می‌توانیم بگوییم که دوران سازندگی انقلاب ایران به شورش کوری بدل شد که امروز آن چنان از آن یاد می‌کنند. اما آنچه که من از هم‌میهنانم، چه در درون و چه در بیرون از کشور، می‌خواهم این است که به‌یاد داشته باشند که ایران در ورطه‌ی هولناکی است و رهایی از این ورطه بستگی به زنده‌داشت همبستگی همگانی برای برچیدن بساط یکه‌تازی و رسیدن به مردم‌سالاری دارد.